

پژوهشی در نقوش پرده‌نماهای شهرستان سریشه (روستاهای مختاران، چنشت و دهشیب)

سال سیزدهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۲

شماره صفحه: ۶۳-۸۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۰

سیده مهدیه شواکندی^۱

حسین کوهستانی^۲

چکیده

هنرهای سنتی، تجلی زیبایی‌هایی نشأت گرفته از ذوق و سلیقه، باورها و اعتقادات مردمان مناطق مختلف و شاهدهی استوار بر توجه آنها به دنیای هزاررنگ پیرامون شان است. هنر سوزن‌دوزی نیز یکی از این هنرها است. در این میان، مردم شهرستان سریشه با ترکیب عشق و صبوری، طرح‌های خیال‌پرور و چشم‌نواز خود در هنر سوزن‌دوزی را بر پرده‌هایی که زینت‌بخش خانه‌هایشان است، به‌کار بسته‌اند؛ هنری که از گذشته تا کنون به دست زنان هنرمند منطقه رقم خورده است و دارای نقوش منحصر به فردی است که از لحاظ بصری و تجسمی ساختاری منسجم و مشخص دارد. این پژوهش با هدف شناخت، تحلیل و معنایابی نقوش سوزن‌دوزی‌های پرده‌نماهای شهرستان سریشه انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در منطقه سه روستای مختاران، چنشت و دهشیب است که از فراوانی بیشتر نقوش نسبت به روستاهای دیگر برخوردارند. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای است. اهداف پژوهش عبارتند از: بررسی و معرفی نقوش پرده‌نماهای شهرستان سریشه، طبقه‌بندی تنوع نقوش پرده‌نماها و مقایسه تطبیقی نقوش و تأثیرات فرهنگ و رسوم منطقه بر روی این پرده‌نماها. با بررسی این موارد مشخص شد نقوش پرده‌نماها در سه روستای مورد مطالعه در چهار گروه (گیاهی، حیوانی، پرندگان و اشعار) رده‌بندی می‌شوند. این نقش‌ها با اعتقادات و فرهنگ مردم این منطقه گره خورده است و شناخت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤؤل

mahdiye.shavakandi@gmail.com

koohestani@birjand.ac.ir

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

آنها، بخش عظیمی از روایات غنی فرهنگ تصویری منطقه را برای ما روشن می‌سازد.
واژگان کلیدی: پرده‌نما، سوزن‌دوزی، نقوش، سربیشه

مقدمه

بعد از به وجود آمدن پارچه - که پوشش و حفاظی در برابر سرما و گرما محسوب می‌شد، اندیشه تزیین پارچه در ذهن بشر شکل گرفت. این تزیینات به مقتضای فرهنگ، آداب و سنن هر قوم دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. این دست دوخت‌ها علاوه بر جنبه تزیینی، نماینده اقلیم و در بعضی مواقع عقاید مذهبی جامعه پدیدآورنده آن بوده است؛ چنانکه قبل از اسلام برای این دوخت‌ها، علاوه بر جنبه تزیینی، جنبه طلسم‌گونه نیز قائل بوده‌اند. سوزن‌دوزی که هنر آراستن سطح پارچه با استفاده از نخ‌های الوان با کمک سوزن و قلاب است، یکی از انواع این دوخت‌ها محسوب می‌شود.

در منطقه مورد پژوهش، زنان سوزن‌دوز در جستجوی تزیینات مطلوب خویش، ضمن استفاده از شکل‌های زیبا و ساده، فضای حقیقی طبیعت را با فضای مجازی این آثار درهم آمیخته، ارتباط بصری مناسبی میان نقوش برقرار کرده و هنر خود را در قالب پرده جالباسی آراسته‌اند. از این‌رو هنر سوزن‌دوزی زنان روایت‌گر فرهنگ و هنر منطقه است. هر نقش نوعی مفهوم است که در گوشه و کنار فرهنگ و تاریخ نمایان می‌شود. نقوش سوزن‌دوزی در پرده‌نماهای خراسان جنوبی بخش جدایی‌ناپذیری از هنر زنان این منطقه محسوب می‌شود و نقش‌مایه‌ها می‌توانند به روشن شدن وجوهی از ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی این منطقه کمک کنند.

سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق

این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱- ارتباط بین نقوش پرده‌نماهای خراسان جنوبی و فرهنگ بومی منطقه به چه صورت بوده است؟

۲- چه چیزهایی الهام بخش نقوش تزیینی پرده‌نماهای مناطق مورد پژوهش است؟

فرضیه‌های پیش روی این تحقیق از این قرارند:

۱- نقوش پرده نماها با شناخت آگاهانه این مردمان از فرهنگ و طبیعت منطقه مورد بحث مرتبط بوده است.

۲- هنرمندان خراسان جنوبی در طراحی نقوش پرده نماها از محیط و طبیعت اطراف خود بیشترین بهره را برده‌اند.

تاکنون پژوهشی در خصوص بررسی نقوش این پرده‌نماها در منطقه سریشه و تأثیر الهام‌بخش طبیعت بر طراحی این نقوش انجام نشده است، اما می‌توان به پژوهش‌های زیر در زمینه سوزن‌دوزی اشاره کرد:

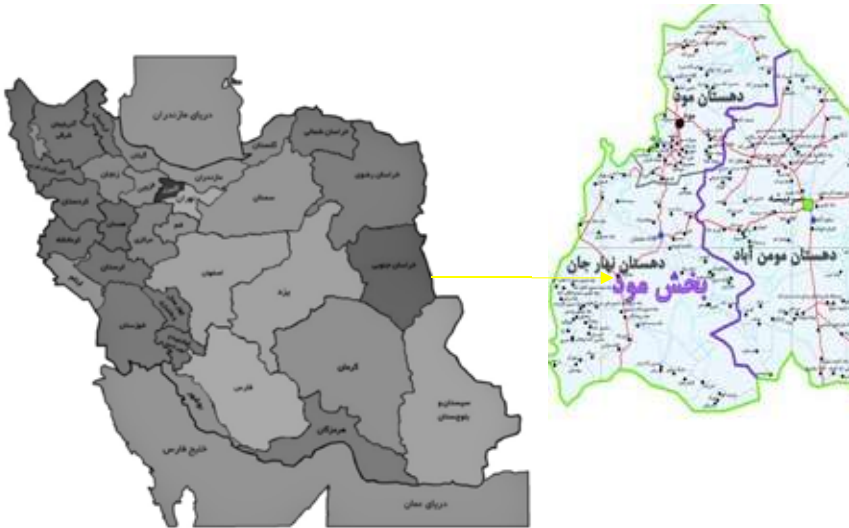
بهنیا (۱۳۸۱) در کتاب *بیرجند نگین کویر* - که یکی از منابع مردم‌شناسی بیرجند است - به این نوع سوزن‌دوزی‌ها اشاره کرده است. هنرمند (۱۳۸۹) در کتاب *سوزن‌دوزی‌های سنتی رایج در خراسان جنوبی* به شکلی مختصر به این هنر پرداخته است. منتخب صبا (۱۳۷۹) در کتاب *نگرشی بر روند سوزن‌دوزی‌های سنتی ایران از هشت هزار سال قبل از میلاد تا امروز* موضوعاتی چون تاریخچه سوزن‌دوزی و انواع رودوزی‌ها را مطرح کرده است.

خاموشی (۱۳۸۹) در مقاله "تحول کاربرد تزیین در سوزن‌دوزی بلوچ و ترکمن" به شناخت انواع تزیینات به کار رفته در سوزن‌دوزی‌های اقوام ترکمن و بلوچ پرداخته‌اند. قاسمی، محمودی و موسوی حاجی (۱۳۹۲) نیز در مقاله "بررسی ساختار صوری نقوش طبیعی در سوزن‌دوزی زنان بلوچ" به شیوه توصیفی - تحلیلی این نقوش را مورد بررسی قرار داده‌اند. سیادت‌نژاد و صمصامی (۱۳۹۴) هم در مقاله "بررسی نقش‌های اسطوره‌ای در پرده‌نماهای خراسان جنوبی" به بررسی اسطوره‌ای این نقوش پرداخته‌اند.

پژوهش حاضر به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای سعی دارد به بررسی مفهوم نقوش پرده‌نماهای خراسان جنوبی بپردازد. نگارندگان در این پژوهش سعی دارند با مطالعه نقوش متفاوت مورد استفاده در سوزن‌دوزی‌های خراسان جنوبی که با الهام از طبیعت، باورها و اعتقادات مردم شکل گرفته، به مفاهیم نمادین که در قالب این هنر منتقل می‌شود، اشاره کنند. نقوش این پرده‌نماها شامل: بزکوهی، پرندگان غالباً نشسته بر درخت و گل و گلدان است که با استفاده از اشکال خاص و رنگ‌های مختلف تزیین یافته‌اند.

منطقه مورد تحقیق

منطقه مورد مطالعه سه روستای منطقه سربیشه خراسان جنوبی، شامل: روستاهای مختاران، چنشت و دهشیب است. مختاران یکی از روستاهای دهستان نهارجان شهرستان سربیشه و دهشیب یکی از روستاهای بخش مود این شهرستان است. چنشت نیز که در میان رشته کوه باقران قرار گرفته است، در گذشته جزو دهستان نهارجان بوده، ولی در حال حاضر از توابع شهرستان سربیشه محسوب می شود. روستای چنشت به لحاظ پوشش محلی به سرزمین رنگ‌های ایران معروف است و با وجود جاذبه‌های زیبای طبیعی، تاریخی و فرهنگی، یکی از روستاهای هدف گردشگری خراسان جنوبی است.



هنر سوزن‌دوزی و تاریخچه آن در ایران

سوزن‌دوزی، هنر آراستن سطح رویین پارچه ساده با بهره‌گیری از نخ‌های الوان و با کمک سوزن و قلاب است که دست‌اندرکاران آن به مدد بخیه‌های ظریفی که بر منسوجات ساده می‌نشانند، معمولاً تلفیق زیبایی از صبر، شکیبایی و هنر را به نمایش می‌گذارند (اسفندیاری، ۱۳۷۰: ۱۳). سوزن‌دوزی‌های ایرانی که به اشکال مختلف انجام می‌شود، یکی از گسترده‌ترین شاخه‌های ۱۰۹ رشته هنرهای دستی است و به جرأت

می توان گفت تنوع و تعددی که در این رشته مشاهده می شود، در هیچ یک از رشته های صنایع دستی وجود ندارد (هنرمند، ۱۳۸۹: ۷). بدین ترتیب، بررسی تحول پوشاک و تزیینات دوختی روی آن، نه تنها از نظر تاریخ و هنر قابل اهمیت است، بلکه از دیدگاه جامعه شناسی و فهم روانشناسی ملت ها نیز بسیار مورد توجه است (بهشتی پور، ۱۳۶۴: ۸).

بر مبنای یافته های باستان شناسی در مناطق سیلک و تپه گیان و سایر مناطق باستانی ایران، آغاز ریسندگی و بافندگی و دوخت را هم زمان با خانه سازی و سفال سازی دانسته اند و عمری ده هزار ساله برای آن تعیین کرده اند. هم چنین مهرهای استوانه ای متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد کشف شده در تپه سیلک کاشان، مؤید رواج ریسندگی و بافندگی و دوخت در آن دوره می باشد. نخستین نشانه ای که از وجود پارچه منسوج در این دوران خبر می دهد، طی حفاریات به دست آمده در شوش که مربوط به هزاره دوم و اول پیش از میلاد است و در آن مجسمه های گلی که همراه با اجساد مردگان دفن می شد، ما را با انواع لباس ها و دوخت و دوزها آشنا می سازد که لباس ملکه ناپیرآسو، همسر اونتاش گال مؤید این مطلب است (سیدصدر، ۱۳۸۸: ۵۱۴).



تصویر ۱) لباس ملکه ناپیرآسو (ریاضی، ۱۳۸۲: ۱۶)

در دوره اشکانی و ساسانی نیز به طور قطع انواع سوزن دوزی در ایران رواج داشته و اگر چه نمونه‌ای از رودوزی‌های این عصر به دست نیامده، اما بسیاری از اطلاعات مربوط به سوزن دوزی‌های زمان ساسانیان از خلال مطالبی که پیرامون پوشاک و صنعت نساجی پیشرفته عصر ساسانی نوشته شده، قابل استخراج است. یکی از شواهدی که دلالت بر وجود سوزن دوزی در دوره ساسانیان دارد، نمونه‌ای از پارچه در موزه آرمیتاژ است که بر روی آن خروسی بزرگ با رنگ‌های مختلف درون دایره‌ای نقش گردیده و در قطعه‌ای دیگر باز هم با نقش خروس در موزه واتیکان نگهداری می‌شود. طرح گلدوزی‌های این دوره شبیه به نقوش حجاری‌ها و گچ‌بری‌ها و ظروف فلزی آن زمان بوده، موضوع نقوش زربفت‌های ساسانی بیشتر به صورت قرینه‌سازی درآمده و غالباً ترکیبی از ترنج‌هایی است که میان آنها موضوع معینی چون طاووس، خروس، اردک، اسب بالدار و حیوانات افسانه‌ای تکرار شده و مورد تقلید همسایگان دور و نزدیک ایران هم چون بیزانس قرار گرفته است (ریاضی، ۱۳۸۲: ۴۵).

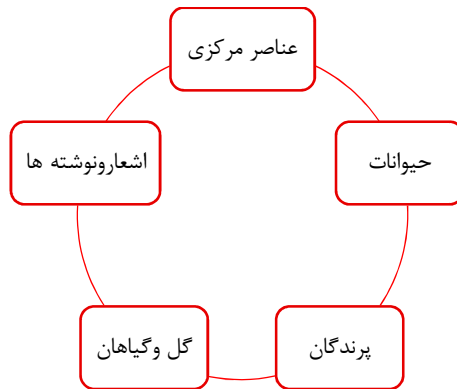


تصویر ۲) سوزن دوزی ساسانی (ریاضی، ۱۳۸۲: ۳۳۹).

هنر پرده دوزی خراسان جنوبی

سوزن دوزی در هنر خراسان جنوبی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این هنر را که شامل چشمه دوزی، آجیده دوزی و خامه دوزی است، همواره خانم‌ها انجام می‌دهند (هنرمند، ۱۳۸۹: ۸۳). از سوزن دوزی‌های رایج این منطقه پرده نماها هستند که بیشتر

جنبه مصرف شخصی دارند در خانه ها مورد استفاده قرار می گیرند. برای این کار زنان و دختران گرد هم آمده و با کمک گرفتن از مهارت و ایده های یکدیگر به سوزن دوزی می پردازند. مهم ترین مواد اولیه مصرفی رودوزی های ایرانی را، انواع پارچه و گونه های رنگی، فلزی و یا نخ هایی با روکش فلزی تشکیل می دهند. گفتنی است، مهم ترین کاربرد رودوزی های ایرانی، تزئین لباس و پوشاک بوده است، اما رودوزی های ایرانی برای تزئین جای قرآن، جانماز، جای مهر، انواع رومیزی، روبالشی و ... نیز کاربرد داشته است. در بیشتر استان ها و نیز برخی از مناطق کشورمان، با توجه به فرهنگ و خصوصیات اقلیمی، قومی و منطقه ای و نیز مواد اولیه در دسترس، رودوزی یا رودوزی های خاصی مرسوم و متداول شده است (یاوری، ۱۳۸۹: ۳۸۲). پرده های سوزن دوزی شده ای که به پرده جالباسی شهرت دارند، هنر فرعی در روستاهای بیرجند به حساب می آیند که در سایر نقاط خراسان هم دیده می شوند. این پرده نماها بر روی لباس های آویخته شده به جالباسی دیواری نصب می شدند که علاوه بر زیباکردن ظاهر خانه، لباس ها را از گرد و خاک و آلودگی محافظت می کردند. جنبه هنری این پرده نماها مربوط به نقوش رنگارنگ و اشعاری است که با حالت خاص روی آن ایجاد می شد. این پرده نماها علاوه بر جنبه تزئینی، به دلیل کاربرد اشعار اخلاقی و مذهبی، جنبه تعلیمی نیز داشتند.



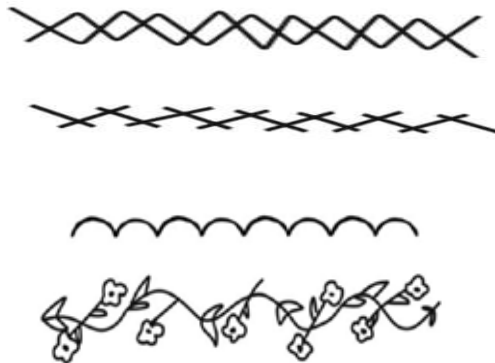
نمودار (۱) تحلیل بصری اشکال به کار رفته در پرده نماها (نگارندگان)

تحلیل نقوش پرده نماها

قدرتمند ترین زبان برای برقراری ارتباط، ارتباط بصری است و نقوش یکی از وسایل این ارتباطند. برخی از نقوشی که در این پرده نماها دیده می شود، نقش هایی است که از گذشتگان منتقل شده، ریشه های مشترک داشته و انعکاس دهنده ی شرایط محیطی، اقلیمی و آب و هوای محل زندگی هنرمندان است. تنوع اشکال و رنگ های این پرده نماها گواه روشنی بر ذوق خلاق هنرمندان بومی این منطقه می باشد.

موتیف های حاشیه

جدول (۱) موتیف های حاشیه ای پرده نماها



در پرده نماهای منطقه مورد بررسی، در حاشیه دو طرف و بالا و پایین سطح پارچه، طرح های زیگزاگ، ضربدری، دالبر و ردیف گل ها که اغلب با استفاده از رنگ های عنابی، نارنجی و صورتی کار شده بود، خودنمایی می کند.

ریتم یکی از عناصر بصری است. حاشیه نقوش این پرده نماها با خطوطی ساده و تکرار شونده ترکیبی ریتمیک را در چشمان بیننده به وجود می آورند. این ریتم ها در نقوش باعث پویایی هرچه بیشتر تصاویر نقش بسته بر پرده ها می شود.

عناصر مرکزی (گل و گلدان)

عناصر مرکزی شاخص در نه پرده‌نمای مورد بررسی در سه روستای این پژوهش گل و گلدان است که اکثراً از رنگ‌های شاد در آنها استفاده شده است. این مسأله نشان می‌دهد این طرح بیش از دیگر طرح‌ها مورد توجه بوده و همگانی شده است. بدون شک نقشی که در مرکز تصویر قرار می‌گیرد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و قرار گرفتن آن در کانون توجه می‌تواند به جذابیت های بصری نقش کمک نماید.



تصویر ۳) تحلیل نقوش مرکزی پرده نماهای ۳ روستای مورد پژوهش



تصویر ۴) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان)



تصویر ۵) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان) تصویر ۶) پرده‌نمای روستای چنشت (نگارندگان)



تصویر ۷) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان) تصویر ۸) پرده‌نمای روستای مختاران (نگارندگان)

گیاهان

طبیعت بزرگ‌ترین منبع الهام‌بخش هنرمندان است. انسان‌ها در پیشبرد اهداف علمی و هنری خود همواره طبیعت را الگو قرار داده و از آن بهره‌جسته‌اند. نقوش گیاهی، جلوه‌های اشکالی به‌شمار می‌آیند که در عالم طبیعت وجود دارند و هر کدام معنی و مفهوم خاص خودشان را دارند. هنرمندان ایرانی با برداشت از طبیعت، به‌خوبی توانسته‌اند شکل‌های طبیعی را تغییر دهند و به‌صورت نقوشی درآورند که به سمت انتزاع و سادگی پیش می‌روند. هنرمندان سوزن‌دوز این منطقه نیز می‌کوشند تا زیبایی و طراوت طبیعت را به دنیای این پرده‌نماها هدیه کنند و هر آنچه را که در محیط زندگی خود می‌بینند، به‌صورت ساده در این پرده‌نماها نقش کنند. اصلی‌ترین نقوش این پرده‌نماها، حیوانات و گیاهانی هستند که برای آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است. گیاه یکی از قدیمی‌ترین نقوش ایرانیان به‌شمار می‌رود. این نقش^۱ حتی در منسوجات ساسانی نیز دیده می‌شود.

نکته قابل توجه در نقوش گیاهی این پرده‌نماها، استفاده از رنگ‌هایی است که بیانگر اصول زیبایی‌شناسی آنها در انتخاب و ترکیب نقوش بوده است. استفاده از رنگ‌های شاد و سرزنده، با نگرش زیباسازی محیط خانه و تطبیق آن با اشکال طبیعت پیرامون، از ویژگی‌های مهم این نقوش است. در برخی از این پرده‌نماها، هماهنگی و تقارن در نقوش نیز دیده می‌شود.

۱. بسیاری از فرهنگ‌ها گیاه را اصل و ریشه‌ی حیات می‌دانند (آموزگار، ۱۳۷۴: ۲۰). در متون مذهبی آیین مزدیسنا، از برخی گیاهان مقدس نام برده شده است. بنا بر متن بندهش، گیاه چهارمین آفریده اهورامزدا در جهان مادی، بعد از آسمان، آب و زمین بوده و هدف از آفرینش آن، یاری رساندن به گوسپند سودمند بیان شده است (بهار، ۱۳۷۸: ۵۱).



تصویر ۹) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان) تصویر ۱۰) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان)



تصویر ۱۱) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان)



تصویر ۱۲) نقوش منفرد گل در پرده نماهای روستای دهشیب (نگارندگان)



تصویر ۱۳) نقوش منفرد گل در پرده نماهای روستای چنشت (نگارندگان)



تصویر ۱۴) نقوش منفرد گل در پرده نماهای روستای چنشت (نگارندگان)

درخت

نقش مایه درخت در انواع هنرهای ایرانی، از جمله تصاویری است که تکرار و مداومت آن، ذهن بسیاری را به خود مشغول داشته است. در تمامی سفال‌ها و منسوجات و نقاشی‌ها و حتی حجاری‌های تاریخ ایران، درخت جایگاهی ویژه و مقدس دارد (افروغ، ۱۳۹۲: ۱۰۴). این نقش یکی از مهم‌ترین نقش‌مایه‌های تجریدی و نمادین در هنر ایران است. حضور گسترده درخت در جای‌جای آثار هنری ایران قابل توجه است. درخت در تزیینات بسیاری از آثار هنری برجای مانده از دوره باستان خصوصاً ظروف سیمین و زرین، منسوجات، گچ‌بری‌ها و نقش‌برجسته‌های ساسانی، در میان دو طاووس به صورت رخ‌برخ طرح شده است. این نقش مایه در دوره اسلامی نیز بر اساس جهان‌بینی اسلامی، مطابق با مفهوم درخت طوبی^۱ در آثار هنری ظهور پیدا کرده است.



تصویر ۱۵) نقش درخت منطقه سریشه (سیادت‌نژاد و صمصامی، ۱۳۹۴)

۱. در فرهنگ اسلامی از درخت طوبی و یا سدره‌المنتهی، به عنوان درختی بهشتی نام برده می‌شود که شاخه‌های متعددی از آن منتشر شده و خانه‌های بهشتیان مزین به یکی از شاخه‌های این درخت بهشتی است و هر چه بهشتیان اراده کنند، از خوردنی‌ها بر آن می‌روید (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۸: ۱۳۱). پس این درخت منشأ برکت و روزی بهشتیان است.

چهارپایان (بز کوهی)

پیکره‌های جانوری از قدیمی‌ترین نقوشی است که انسان در آثار خود ترسیم نموده است. این نقش‌مایه‌ها نیز در هنر ایران، همانند دیگر نقوش صرفاً جنبه تزئینی نداشته و گاهی بیانگر امید، ترس و توسل به نیرویی برای مبارزه با خطرهای طبیعت و حیات و گاه نیز بیانگر اعتقادات مذهبی و افسانه‌ها بوده‌اند. همین ارزش‌ها و بیان‌های مخصوص، گاهی نقوش جانوری را به نوعی علائم قراردادی و نمادین تبدیل کرده که در طی تاریخ از آنها برای انتقال پیام استفاده می‌شده است (خزایی و سماواکی، ۱۳۸۱: ۸). در پرده‌نماهای منطقه مورد پژوهش حیواناتی نظیر: بز، گوزن، آهو، شتر، شیر و پلنگ تصویر شده‌اند، اما کاربرد بزکوهی از همه بیشتر است.

نقش بز کوهی برای نخستین بار بر روی مهرهای استوانه‌ای شکل بین‌النهرین متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد دیده شد (هال، ۱۳۸۹: ۱۰۱). بز مظهر فراوانی و در شاخ آن قدرتی جادویی پنهان بوده است و چون میان شاخ پر پیچ‌وخم بزکوهی و هلال ماه نیز رابطه‌ای وجود دارد، از این‌رو، مردم باستان معتقد بودند شاخ بزکوهی در نزول باران مؤثر است (حاتم، ۱۳۷۴: ۳۶۴). نقش بزکوهی در دوران باستان، کارکردی بیش از یک نقش تزئینی داشته و نماد طلب باران و برکت بوده است. در پرده‌نماهای منطقه مورد مطالعه، بزکوهی به صورت تکی و یا در حال چرا کنار گل و گیاه ترسیم شده است. بی‌شک هویت نقوش چهارپایان ایران متأثر از شرایط محیطی، فرهنگی و آیین مردم است و می‌توان گفت برخی از پدیده‌های هنری، از شرایط اجتماعی نحوه‌ی زندگی و معاش مردم دوران خود متأثر بوده و نشانگر اهمیت بعضی موجودات و موضوعات در طبیعت اطراف اقوام سازنده است (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۶).



تصویر ۱۶) پرده‌نماهای روستای چنشت (نگارندگان) تصویر ۱۷) پرده‌نماهای روستای دهشیب (نگارندگان)

پردگان

پردگان در فرهنگ‌ها و مناطق مختلف، دارای معانی متفاوت و گاه متضادی هستند؛ با این حال، کلیاتی در همه‌ی فرهنگ‌ها دیده شده است که کمابیش به هم شبیه‌اند. پرند نماد گستره‌ی روح است، بویژه در هنگامی که پس از مرگ به آسمان صعود می‌کند. بسیاری از اقوام باستانی، پردگان بزرگ‌تر را با خورشید، خدایان و آسمان همراه می‌دانستند. با بررسی پرده‌نماهایی که نقش پردگان بر روی آن ترسیم شده است، درمی‌یابیم پردگان در این پرده‌نماها به صورت یک جفت (نر و ماده) و به حالت قرینه در مقابل هم ترسیم شده‌اند. این پرده‌نماها سرشار از پردگانی است که در لابه‌لای درختان یا بر بالای شاخسار درختان، در حال پرواز یا نغمه‌سرایی هستند. تنوع نقوش پردگان ترسیم شده بر روی این پرده‌نماها عبارتند از: طاووس، طوطی و هدهد.

طاووس

از دیرباز پردگان برای هنرمندان هر قوم نیز برای بیان مقاصد هنری، گاه به شکل نقش و گاه بصورت شعر مطرح بوده‌اند. به طور مثال در منطق الطیر عطار به طاووس اشاره شده است طاووس در فرهنگ ایرانی مظهر ثنویت و طبیعت دوگانه انسان هستند (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۵۲). به گفته عطار نیشابوری طاووس مظهر بهشت پرستان و راهنمای مردم به بهشت است. این پرند در دوران باستان، در آیین زرتشت به عنوان مرغی مقدس مورد توجه بوده است (خزایی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). نقش طاووس را بر پرده‌نماها، علاوه بر جنبه‌ی

تزیینی، از جهت باورهای عامیانه نیز مد نظر قرار داد.



تصویر ۱۸) پرده‌نمای روستای چنشت (بشارتی، ۱۳۹۲: ۶۶)

تصویر ۱۹) پرده‌نمای روستای چنشت (نگارندگان)

طوطی

شاید معروف‌ترین و بارزترین جلوه این پرنده در ادبیات و فرهنگ ایران، داستان طوطی و بازرگان در مثنوی مولوی باشد. طوطی در این داستان، نماد روح پاک و مجرد و قفس نماد تن است. مولوی رهایی از این قفس را تنها در مردن پیش از مرگ دانسته است. در ترسیم نقش طوطی بر روی این پرده‌نماها، طوطی‌ها به شکل ساده رنگ‌آمیزی شده‌اند؛ گویا هنرمند در تلاش است تا به نمایش واقعی‌تر این پرنده، در ترسیم پرده‌نماها بپردازد.



تصویر ۲۰) پرده‌نمای روستای چنشت (نگارندگان)

هدهد

هدهد همان پوپک یا مرغ شانسه‌سر است که براساس اشارات قرآنی، نامه سلیمان را به نزد بلقیس می‌برد (قرآن، نمل: ۲۲). تیز فهمی او در شناسایی آب‌های زیرزمینی مشهور است. هدهد در منطق الطیر عطار، رهبر مرغان در سفر به پیشگاه سیمرغ است. هدهد نماد انسان کامل و مرغی است که در اثر هم‌نشینی و مصاحبت با سلیمان کامل شده

و مرغان دیگر او را برمی‌گزینند تا با همت او، این راه پر حادثه را طی کنند. این پرنده در آثار سهروردی نیز دیده می‌شود. در لغت موران هدهد رمز پیر و حکیم دل‌آگاهی است که میان بومان روزکور گرفتار شده است. در صغیر سیمرغ رمز نفس ناطقه است که استعداد سیمرغ شدن دارد و در قصه‌الغریبه، از آنجا که پیام‌رسان سلیمان در داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا است، به‌عنوان پرنده پیام‌بر شهرت دارد (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۴۲۰).



تصویر ۲۱) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان)

اشعار و متون نوشته شده بر پرده‌نماها

آخرین گروه از نقوش موجود در پرده‌نماها، متونی هستند که توسط هنرمند سوزن‌دوز بر زمینه سفید این پرده‌ها نگاشته شده‌اند. این متون ریشه در مذهب، ادبیات و آداب و رسوم مردم منطقه دارند. علاوه بر این متون، گاهی سال دوخت و امضای سوزن‌دوز نیز در بخشی از پرده‌نما خودنمایی می‌کند. جالب توجه است که اکثر اشعار، ضمن خوشامدگویی به مهمان، از محتوای غنی ادبی برخوردارند؛ اشعاری که سرشار از عاطفه، خیال و بزرگداشت مقام مهمان است. با توجه به اینکه این پرده‌نماها در اتاق‌های مهمان‌خانه نصب می‌شدند، از این طریق به اهمیت تکریم مقام مهمان نزد مردم منطقه پی می‌بریم. علاوه بر شعر، اسما متبرک نیز بر روی این پرده‌نماها سوزن‌دوزی شده‌اند. این اسما نشان از اهمیت ارزش‌های دینی و مذهبی نزد مردم منطقه دارد. در واقع، هنرمند سوزن‌دوز با گره زدن اندیشه، عاطفه، خیال و باورهای دینی، تصاویری همراه با نمادهایی از اقلیم، اسطوره و ادبیات را نقش می‌زند. با نگاهی اجمالی به این پرده‌نماها،

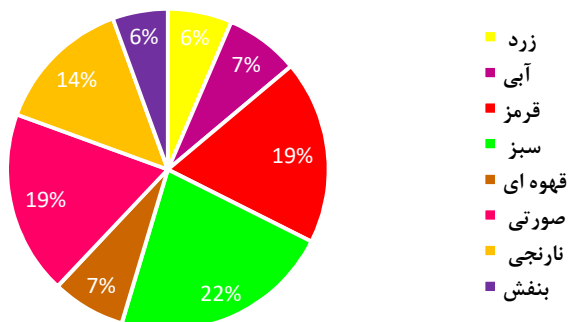
به وضوح می توان دریافت که هنرمند سوزن دوز در انتخاب نقوش و مکان گزینی آنها در گستره سفید پارچه، از حداکثر اندیشه بهره برده است.

جدول ۲) بررسی مضمون اشعار پرده نماها

مضمون شعر	اشعار و متون سوزن دوزی شده بر پرده نماها
خوشامدگویی به میهمان	امشب از لطف به دلداری ما آمده ای / خوش قدم باشی که بسیار به جا آمده ای
آرزوی شادمانی	الهی ای گل خندان همیشه شادمان باشی / ز دشمن بر کنار و در کنار دوستان باشی
خوشامدگویی به میهمان	شد مزین از قدوم مهمان کاشانه ام / خانه ام فانوس و مهمان شمع و من پروانه ام
فرارسیدن سال نو	بهار و موسم گل صبح عید است / بیا بنشین که ایامی سعید است
آرزوی شادی برای صاحب خانه	الهی صاحب این خانه زنده باشد / دلش شاد و لبش پر خنده باشد
وصف حضرت علی	بر تخت خلافت بنشست آن شه یزدان / داماد نبی شیر خدا ساقی کوثر
فرارسیدن سال نو	نوروز شد و جمله جهان گشته معطر / از بوی خوش لاله و ریحان و صنوبر
حمد و ستایش خداوند	توحید گوی او نه بنی آدمند و بس / هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

بررسی رنگ نقوش در پرده نماها

در تهیه این پرده نماها، علاوه بر هماهنگی و استفاده از قوانین متداول این هنر، حضور رنگ های گرم و سرد به چشم می آید. از آنجا که مردم این منطقه، زیبایی رنگ ها و تفاوت بین آنها را در رنگ درختان، میوه ها و گل ها محل سکونت شان ادراک می کنند و پیوسته با این رنگ ها در ارتباطند، رنگ را به عنوان یک زیبایی حقیقی پذیرفته اند. زیبایی موجود در طبیعت به مثابه یک واقعیت زنده و صریح نیازی به اثبات ندارد. به همین دلیل در بررسی های انجام شده بر روی رنگ نقوش مورد استفاده در پرده نماهای منطقه سرپیشه، آنچه ذهنیت هنرمند را در برابر طبیعت بکر و منحصر به فرد به تعجب وامی دارد، تنوع رنگ ها است. از آنجا که غالب نقوش پرده نماها ملهم از طبیعتند، بیشتر از رنگ های سبز، قرمز، صورتی و نارنجی در این پرده نماها استفاده شده است. گل ها معمولاً با رنگ های قرمز، صورتی، آبی و بنفش و غنچه ها با رنگ های زرد، صورتی و بنفش به شکل سایه روشن به تصویر کشیده شده اند. بررسی های انجام شده در خصوص ترکیب رنگی نقوش، تعادل استفاده از رنگ های گرم و سرد و عدم استفاده از رنگ سیاه را نشان می دهد.



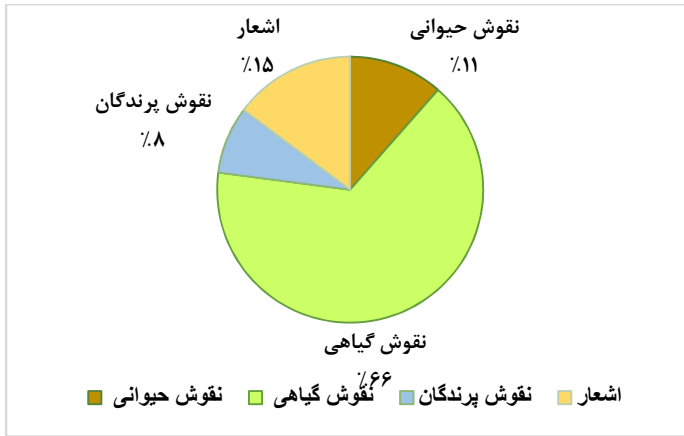
نمودار ۲) نمودار فراوانی رنگ‌ها در پرده‌نماهای منطقه سریشه

جدول ۳) نقش‌مایه‌های به‌کار رفته در پرده‌نماهای منطقه سریشه (نگارندگان)

نام نقش	پیشینه اسطوره‌ای نقش	اجرای نقش	نقش
بزکوهی	در اسطوره‌های ایران باستان از بین ایزدان که به شکل چهارپایان درآمدند می‌توان به ورثرغنه (بهرام)، ایزد جنگاوری و پیروزی اشاره نمود که موجودی انتزاعی است و یکی از تجسم‌های بز نر جنگی بوده است (هیلنز، ۱۳۷۴: ۷۱).	 	 

		<p>شاید معروف‌ترین و بارزترین جلوه این پرنده در ادبیات و فرهنگ ایران، داستان طوطی و بازرگان در مثنوی مولانا است (صباغ‌پور و شایسته‌فر، ۱۳۸۹: ۴۵). طوطی در این داستان نماد روح است. این پرنده در منطق‌الطیر عطار نیز آمده و نماد خودخواهان است (خسروی، ۱۳۸۷: ۷۶).</p>	<p>طوطی</p>
		<p>طاووس نماد بی‌مرگی، طول عمر و عشق است (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۵۲). این پرنده همچنین نابود کننده مار است و از این رو، آن را عامل حاصل‌خیزی زمین نیز به‌شمار می‌آورند (خزائی، ۱۳۸۶: ۲۴).</p>	<p>طاووس</p>
		<p>مدهد همان پوپک یا مرغ‌شانه‌به‌سر است که بر طبق، نامه سلیمان را به نزد بلقیس می‌برد. تیز فهمی او در شناسایی آب‌های زیر زمینی، مشهور است. مدهد در منطق‌الطیر عطار، رهبر مرغان در سفر به پیشگاه سیمرغ است. مدهد در این اثر نماد انسان کامل است (عطار نیشابوری، ۱۳۸۷: ۱۷۰).</p>	<p>مدهد</p>

		<p>درخت نماد زندگی است و در اسطوره‌های ایرانی از آن به‌عنوان مرکز جهان، منشأ حیات، تجدید حیات و برکت و فراوانی یاد شده است و به‌نوعی با مفهوم سرچشمه‌ی زندگی و منشأ حیات که در قالب درخت زندگی نمادین شناخته می‌شود، ارتباط دارد (کاظم پور، ۱۳۸۸: ۲۴).</p>	<p>درخت</p>
 	 	<p>نماد گل و گلدان در واقع با اسطوره‌ی تکوین هستی پیوندی دارند. گلدان گلی که ارتباطی وسیع با زمین مادر و ایزد بانوی باروری دارد و همین معنا به‌طور مشابه در نقوش موزون و بدیع به‌صورت مختلف در طراحی‌ها دیده می‌شود</p>	<p>گل و گلدان</p>



نمودار ۳) بررسی فراوانی نقوش پرده‌نماها در منطقه مورد مطالعه

با توجه به نمودار ۳، نقوش گیاهی در پرده‌نماهای منطقه پژوهش بیشترین فراوانی را دارد. این فراوانی با اقلیم و پوشش گیاهی منطقه بی‌ارتباط نیست؛ چرا که در فصل بهار، گل‌های رنگارنگ خودرو تپه‌ها و دامنه کوه‌ها را می‌پوشانند و سوزن دوزان با الهام از طبیعت منطقه، به ترسیم نقوش پرده‌نماها می‌پردازند و سعی می‌کنند با این نقوش زیبا و رنگارنگ، فضای خانه خود را بیارایند.

نتیجه

از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که پرده‌نماهای دست‌دوز مناطق مورد مطالعه زیرمجموعه‌ای از سوزن‌دوزی‌های دارای ویژگی‌های خاص در نقش هستند و به نظر می‌رسد معانی این نقوش، برگرفته از فرهنگ منطقه و ریشه‌های تصویری آنها برگرفته از گیاهان طبیعی محیط اطراف هنرمند است. این نقوش نمایانگر ذوق سرشار، زیبایی‌شناسی، آرزوها و فرهنگ تولیدکنندگان‌شان هستند. اگرچه هنرمند طبیعت را منبع الهام خود قرار داده است، اما خود را به تقلید صرف از طبیعت محدود نمی‌کند و دست به آفرینش هنری زده، پرده‌نماهایی خلق می‌کند که دارای ظرافت دوخت و تنوع رنگ است؛ ظرافت و تنوعی که حاصل ذوق و خلاقیت ذهنی او است. نتایج این پژوهش

مؤید این مطلب است که در منطقه، گل‌ها و گیاهانی که در این منطقه می‌رویند و حیوانی که مردم منطقه نظاره‌گر آنها بوده‌اند یا برای امرار معاش از آنها استفاده می‌کرده‌اند و مواردی از این قبیل، همه در ایجاد نقش‌های این هنر زیبا مؤثر بوده‌است. گاهی نیز نقش‌ها و نوشته‌ها وظیفه انتقال اندیشه‌های زنان و دختران منطقه را بر عهده دارند. تداوم و تکرار این نقوش در دست‌دوزها، نشان از اهمیت آن در اعتقادات، زندگی و نوع معیشت (دامداری) مردمان این خطه داشته و ارزش معنوی این هنرها را دوچندان می‌کند. در پایان، بیان رمزآلود نقوش این پرده‌نماها در نگاه اول نوعی سادگی و ماهیت ابتدایی را نشان می‌دهد، اما همین بیان ساده و ابتدایی نما در نگرشی عمیق‌تر، عرضه‌کننده ساختار بصری زیبا و مفاهیمی غنی است. نقوش تصویر شده بر روی این پرده‌نماها با اعتقادات و فرهنگ مردمان این منطقه گره خورده‌است و شناخت این تصاویر، بخش بزرگی از هنر غنی تصویری منطقه را برای ما روشن می‌سازد.

منابع

- قرآن کریم
- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت.
- اسفندیاری، صبا (۱۳۷۰). *نگرشی بر روند سوزن دوزی های ایران*. تهران: صبا.
- افروغ، محمد (۱۳۹۲). *نماد و نشانه‌شناسی در فرش ایران*. تهران: جمال هنر.
- افضل طوسی، عفت‌السادات (۱۳۹۱). "گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان". *فصلنامه علمی- پژوهشی نگره*، سال اول، ش ۲۱ (بهار): ۵۱-۵۷.
- بشارتی، سیما (۱۳۹۲). "بررسی مردم‌شناختی پرده‌های دست‌دوز زنان در شهرستان بیرجند". پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارگری، دانشکده هنر، دانشگاه اصفهان.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۸). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگه.
- بهشتی‌پور، مهدی (۱۳۶۴). *تاریخچه صنعت نساجی ایران*. تهران: اکونومیست.
- بهنیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *بیرجند نگین کویر*. تهران: دانشگاه تهران.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۶). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۷۴). "نقش و نماد در سفالینه‌های کهن ایران". *فصلنامه هنر*، ش ۲۸ (بهار): ۳۶۱-۳۶۷.

